

سخن آغازین

چیستی شهر

شهر را چگونه می‌توان تعریف کرد؟ آیا با در نظر گرفتن جمعیت، تراکم، وسعت، و یا ابعاد و مؤلفه‌های دیگر می‌توان به تعریفی جامع و مانع رسید، بی‌شک پاسخ منفی است. شهر یکی از مفاهیم پیچیده اجتماعی است، شهر ماهیتی پیچیده و غامض دارد، شهر یک پدیده چندوجهی و پنهان و آشکار در تاریخ مدنی است، ریشه در فلسفه، عرفان و زوایای تاریک و روشن زندگی انسانی دارد، شهری که امروز انسان‌ها را به‌جای به خود واداشتن به دغدغه‌های زندگی شهری مرتبط کرده است.

شهر یکی از پیچیده‌ترین ابداعات جامعه بشری است و در عمر حدود ده هزارساله خود در جهان فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است گستره زمانی این پدیده بیشتر تحت تأثیر تغییرات شگرف دو قرن اخیر بوده است و با ورود به هزاره سوم و عصر فرا ارتباطی و پدیده‌هایی چون فضای مجازی و هوش مصنوعی، گستره زندگی اجتماعی را دچار دگردیسی‌های زیادی کرده و خواهد کرد، پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که بسیاری از شغل‌ها از بین خواهد رفت و بسیاری نیز استحاله خواهند یافت و این تأثیرات نه محدودیت زمانی و نه محدوده مکانی می‌شناسد. شهر از نظر تاریخی تحول و تطور گسترده‌ای یافته است، در زبان لاتین واژه Urban دارای معانی گوناگونی است. واژه "Urban" در انگلیسی و "Urbain" در فرانسوی، از ریشه "Urbanus" لاتین یعنی شهری یا متعلق به شهر می‌آید. در بعضی از نوشته‌ها باور بر این است که کلمه Urban از شهر Ur در بین‌النهرین گرفته شده است و نیز از Urbs که در قدیم به شهر رم اطلاق

می‌شد و یا اراضی نیمه‌مستقل پیرامون شهرهای فتودالی می‌آید. واژه "Villa" در زبان فرانسوی به معنی «شهر» از ریشه لاتین "Villae" است که آن را چه در شکل جدیدتر "Villa" (ویلا) و چه در شکل "Village" (ده، روستا) نیز می‌بینیم.

این واژه تا قرن شانزدهم و در اصل به معنی یک مزرعه و خانه‌ای روستایی در آن بود که املاکی زراعی هم در اطراف خود داشته است. با گذشت زمان و ورود به عصر انقلابات صنعتی و انقلاب فرانسه رشد شهری در اروپا با رشد بی‌سابقه‌ای روبرو شد و برای اولین بار مفهوم کلان‌شهر شکل گرفت. اولین بار در اواخر قرن نوزدهم زمیل با مقاله «کلان‌شهر و حیات ذهنی» به مفهوم آفرینی شهر در قالب جدید پرداخت و این مقاله سرآغاز توجه جدی به مطالعات شهری در جهان شد و اثرگذاری زیادی را بر این فرایند گذاشت و زمیل بر عقلانیت عملکردی در شهر تأکید می‌ورزد.

«انسان کلان‌شهری – که البته هزار نوع دارد – اندامی را پرورش می‌دهد که از او در برابر وقایع تهدیدکننده و تناقضات محیط برونی که می‌تواند وی را ریشه‌کن سازد، محافظت می‌کند. او با مغز خود واکنش نشان می‌دهد نه با قلب خود. بدین ترتیب افزون شدن آگاهی به امتیازی روانی مبدل می‌شود؛ بنابراین زندگی کلان‌شهری آگاهی تشدید شده و سلطه عقل در انسان کلان‌شهری را بنیاد می‌نهد. واکنش نشان دادن به پدیده‌های کلان‌شهری به اندامی سپرده می‌شود که دارای حداقل حساسیت است و از عمق شخصیت دورترین فاصله را دارد؛ بنابراین اتکا به عقل و عقل‌گرایی از زندگی ذهنی در برابر قدرت سهمگین زندگی کلان‌شهری محافظت می‌کند. عقل‌گرایی در جهات متعدد شاخه می‌دواند و با پدیده‌های متنوع و مختلفی ترکیب می‌شود.»

شهرهای آینده در جهان در حال توسعه از شهرهای کشورهای توسعه‌یافته، از جهاتی بسیار متفاوت خواهند بود. آن‌ها نه فقط از لحاظ اندازه، بلکه همچنین از لحاظ ارزش‌های فرهنگی، قوانین اداره و ساختارهای اجتماعی – اقتصادی و نهادی متفاوت خواهند بود. حداقل در دهه‌های آینده ساختار جمعیتی دچار دگرگونی شده و با توجه به جلوه‌های ایجابی به‌وسیله هوش مصنوعی و متاورس، بسیاری از شغل‌ها از بین رفته و نوع کسب‌وکار جدیدی

سخن آغازین اج

شکل خواهد گرفت و مسائل و مشکلات شهری چهره‌ای متفاوت و دگرگونی را خواهند یافت و این امر آمیزه‌ای از تصادم و همبستگی و نیز آرزوها و ناکامی‌ها را در زندگی شهروندان پدیدار خواهد ساخت و روش‌های جدیدتری در راهبری سازمانی و شیوه‌های حکمرانی شکل خواهد گرفت.

یکی از ایدئال‌های برنامه‌ریزان شهری، کاستن از نابرابری‌های اجتماعی و بسترسازی برای رسیدن به محیط‌زیست بهتر و عادلانه‌تر خواهد بود که می‌شود از آن به نام عدالت شهری نام برد، سامانه‌های هوشمندی که به این فرایند کمک خواهند نمود و جلوه بهتری را برای زیست بهتر و اجتماعی فراهم خواهد ساخت که تجلی آن رفاه شهری است.

کشورهای جهان در اتحادی محیط‌زیستی و با استفاده از شیوه‌های جدیدی که در پیش خواهند گرفت، باید بتوانند نیازهای اساسی شهروندان را با قیمت مناسبی تأمین نمایند، تأمین آب آشامیدنی سالم، اقدامات بهداشتی، بازیافت فاضلاب و زباله، پوشش ایمنی شهری، سیستم‌های مراقبت بهداشتی و نظایر آن‌ها را در صورتی که از دانش، مهارت‌ها و منابع محلی استفاده شود و سازمان‌های محلی در مشارکت با گروه‌های کم‌درآمد و تشکیلات محلی در این گروه‌ها به کار بپردازند و در افزایش توانمندسازی گروه‌های کم‌درآمد تلاش وافر انجام شود که فرایند با هزینه‌های کمی قابل تأمین است. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان و مدیران شهری به این وفاق باید برسند که اولویت‌های زندگی شهروندان کم‌درآمد، باید جهت پروژه‌های آن‌ها را تعیین کنند و این پروژه‌ها باید تحت نظارت نمایندگان همین گروه‌ها اجرا شوند. برای آنکه حکومت‌های محلی بتوانند مستقیماً به خواسته‌های گروه‌های کم‌درآمد پاسخ دهند، باید قدرت و منابع و نیروهای آموزش‌دیده در یک چارچوب جدید همکاری تقسیم و تمرکززدایی شوند. مسلم است که برای این منظور شهر و دولت‌های محلی باید یک چارچوب وسیع برنامه‌ریزی فراهم کنند. چنین چارچوبی نه به مفهوم کاهش نقش حکومت، بلکه نقشی جدید برای آن است، که نقشی متفاوت، پیشرفته‌تر، فعال‌تر، غیرمتمرکزتر و عام‌تر است که اقدامات ناهماهنگ

ده‌ها حکومت محلی و صدها سازمان محلی در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و سرمایه‌گذاری‌های عمده زیرساختی هرج‌ومرج پدید خواهد آورد.

دگرگونی مفاهیم اندیشه‌ای در خصوص شهر و اجزای آن نیازمند برون داد تفکرات انتقادی است که از یک‌بعدی نگریستن دوری جسته و به یک گذار دیالکتیک اندیشه‌ای دست یابد، یکی از مفاهیمی که دچار دگرگونی‌های زیاد در شهر خواهد شد، فضای شهری است و نگاه به دیدگاه‌های گسترده در مورد فضای شهری، از تولید فضای لوفور تا دگراندیشی در مفاهیم فلسفی و عرفانی فضای شهری، در فرایند شناخت فضای شهری دیدگاه‌های زیادی مطرح شده است که در این مختصر نمی‌گنجد.

پیتر سندرز که خود گرایش به نحله شناخت‌شناسی رئالیسم دارد، معتقد است که بحث ارتباط مقولات فضایی با فرایندهای اجتماعی هنوز به پاسخی روشن دست نیافته است. وی با استناد به تحقیقاتی که در خصوص دلالت‌ها و آثار اجتماعی آرایش‌های گوناگون فضایی صورت گرفته است، معتقد است که این تأثیرات را نمی‌توان نادیده گرفت. به تعبیر سندرز، تلاش‌های نظری برای کلیت بخشیدن به فضا چه در قالب دیالکتیک فضایی اجتماعی یا نظریه محلی تاکنون یا به مدعیات تکراری و پیش‌پاافتاده‌ای انجامیده است؛ از قبیل فضا یک سازه اجتماعی است که موارد به‌گونه‌ای متفاوت در مکان‌های متفاوت اتفاق می‌افتند و کارها و تعامل‌های مختلف در مکان‌های متفاوت صورت می‌گیرد. سندرز یک رئالیست است که معتقد است الآن زمانی است که باید به فضا به‌مثابه عاملی مشروط نگاه کرد؛ عاملی که در تحقیقات تجربی باید دنبال کرد، نه در نظریه‌پردازی‌ها و فرایندهای ذهنی، فضا گستره‌ای چندوجهی است و تأثیرات بسیار زیادی را در ذهن و عین ایجاد می‌کند و این سؤال مفهومی مطرح است که فضا تجلی بیرونی است یا تجلی ذهنی، شهر گستره زمانی و مکانی است و تغییر آن تا پایان قرن هجدهم بسیار کند و بطئی است.

شهرها در جهان امروزی از ویژگی‌های زیادی برخوردارند از سویی مسائل و مشکلات معتنا به و عمومی مثل ترافیک و آلودگی هوا و مشکلات مسکن و کمبود سرانه‌ها

را دارد و از سویی دیگر تغییرات اجتماعی و تکنولوژیک که پیوسته در حال پوست انداختن و دگرذیسی مفهومی و شناختی است، رشد آسیب‌های اجتماعی و روانی، تغییرات گسترده فرهنگی و افزایش شکاف نسلی و تغییر در نگرش جوانان و دگرگونی فضاهای شهری را نیز دارد. یکی از ماندگارترین آن‌ها نابرابری‌های اجتماعی و جنسیتی است که در تغایر با مطالبات نسلی و جایگاه زنان در کسب موقعیت‌های اجتماعی و مشارکت گسترده آن‌هاست، ضمن آنکه در بعضی از نظام‌های سیاسی و ایدئولوژیک مبادی ارزشی متفاوت و حتی متناقضی مشاهده می‌شود.

مفهوم شهر به‌ظاهر آسان ولی از پیچیدگی زیادی برخوردار است، شهر از زوایای مختلفی قابل تأمل و تعمق است، پیدایی شهر ریشه در تعالی خرد ایزاری جامعه انسانی دارد و از نظر اجتماعی، یکی از پیچیده‌ترین جلوه‌های زندگی اجتماعی انسان‌ها در طول تاریخ خود می‌باشد.

در ایران شهر از یک سو ریشه در فلسفه و حکمت دارد به‌ویژه در جوامع شرقی ریشه در عرفان ژرفانگر و عمیق جامعه پررمزوراز ایرانی را جستجوگر است و در طول حیات خود پیوسته بر ابعاد ناشناخته آن افزوده شده است، از سویی دیگر شهر پدیده‌ای چندوجهی است که در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی متجلی شده است.

تعریف واحدی از شهر امکان‌پذیر و میسر نیست، به همین دلیل تعاریفی که از شهر ارائه می‌شود کامل نبوده و با توجه به یک یا چند ویژگی خاص، به قسمتی از آن می‌پردازد که در بسیاری از موارد بیان‌کننده مفهوم چندوجهی شهر نمی‌باشد، بلکه فضای صرفاً کالبدی (فیزیکی) را تعریف می‌کند.

تا اواخر قرن بیست و یکم به دلیل رشد شاخص‌های تکنولوژیک و تغییرات گسترده اجتماعی و فرهنگی، بسیاری از مشکلاتی که امروز دست‌به‌گریبان جوامع انسانی است، رخت برخواهد بست و شیوه‌های جدیدی از زیست اجتماعی و نوع حیات اجتماعی پدیدار خواهد شد. پیش‌فرض‌های زیادی رو در روی جوامع شهری است و البته جامعه غیرشهری

نیز در ارکان‌های حیات شهری مستحیل خواهند شد و با رشد نوآوری‌های خردگرا و افزارمند، بخش عمده‌ای از کار اجتماعی و اقتصادی را سیستم‌های هوشمند راهبری خواهند کرد، ضمن تحدیدها و تهدیدها، مراقبت از شهروندان در سازمان اجتماعی شهر دچار تغییرات بنیاد خواهد شد.

فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای در راستای نشر و توسعه رهیافت‌های جدید علمی-پژوهشی از کلیه استادان و پژوهشگران دعوت می‌نماید که مقالات مرتبط را به دفتر نشریه ارسال نمایند تا از این رهگذر به تبادل اطلاعات و یافته علمی به جامعه جوان علمی ایران انتقال یابد و با توجه به پتانسیل بالای علمی جامعه ایران، اندیش‌ورزان جوان و فرزانه به ارائه رهیافت‌های علمی خود پردازند.

غلامرضا لطیفی

مدیرمسئول

فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای .